

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Implications and Scope of Iran's Accession to the Apostille Convention

Faezeh Daneshvar¹, Mehdi Fallah Kharyeki^{*1}, Mohammad Hossein Taghipour Darzi Naghibi²

1. Department of Private Law, Am.C., Islamic Azad University, Amol, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Private Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

* Corresponding Author's Email: mehdifallahkharyeki@iau.ac.ir

ABSTRACT

Accession to international conventions has diverse implications for the domestic legal systems of countries, making the analysis of such effects a necessity. Among these, Iran's accession to the 1961 Hague Convention, which aims to facilitate the authentication process of foreign public documents, holds particular significance. This Convention seeks to eliminate superfluous authentication procedures and simplify the certification of public documents among member states to ease their transnational use. Accordingly, the objective of the present study is to answer the question: What is the necessity of Iran's accession to the Apostille Convention? This research adopts a library-based (documentary) approach using card-indexing tools, and the method of analysis is descriptive-analytical. The findings indicate that upon accession to the Convention and the implementation of its regulations, certain provisions of Iranian law in interaction with member states have been implicitly repealed. Notably, this includes Paragraph 4 of Article 1295 and Article 1296 of the Iranian Civil Code, both concerning international legal relations. Furthermore, Article 2, Paragraph (a) of the Law on the Translation of Statements and Documents in Official Courts has also been affected. These changes aim to align national regulations with international norms and foster legal system integration. Iran's accession to the said Convention, considering its substantial advantages, not only promotes foreign investment but also prevents foreign currency outflow related to document authentication. This measure, in light of national interests, is both beneficial and essential, and the process of joining this Convention ought to be pursued with greater speed and precision to fully realize its benefits.

Keywords: *Apostille, public documents, accession, authentication, convention.*

How to cite: Daneshvar, F., Fallah Kharyeki, M., & Taghipour Darzi Naghibi, M. H. (2025). Implications and Scope of Iran's Accession to the Apostille Convention. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 3(3), 1-20.



تاریخ ارسال: ۱ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۹ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۳۰ تیر ۱۴۰۴

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

آثار و حدود الحاق ایران به کنوانسیون آپوستیل

فائزه دانشور^۱، مهدی فلاح خاریکی^{۲*}، محمدحسین تقی پور درزی نقیبی^۳

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد آیت ... آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: mehdifallahkharyeki@iau.ac.ir

چکیده

الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی، تأثیرات متنوعی بر حقوق داخلی کشورها دارد و بررسی این تأثیرات، امری ضروری است. در این میان، پیوستن ایران به کنوانسیون ۱۹۶۱ لاهه، که هدف آن تسهیل روند تایید اسناد عمومی خارجی است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این کنوانسیون با هدف حذف مراحل اضافی تأیید، به دنبال ساده‌سازی فرایند تصدیق اسناد عمومی کشورهای عضو است تا استفاده از این اسناد در میان کشورهای عضو آسان‌تر شود. لذا هدف از پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به این سؤال است ضرورت الحاق ایران به کنوانسیون آپوستیل چیست؟ که به صورت کتابخانه‌ای (اسنادی) و ابزار به صورت فیش‌برداری است و روش تجزیه و تحلیل نیز به صورت توصیفی - تحلیلی انجام شده است. نتایج نشان داد با پیوستن به این کنوانسیون و اجرای مقررات آن، برخی از قوانین ایران در تعاملات با کشورهای عضو به طور ضمنی لغو شده است. از جمله این موارد می‌توان به بند ۴ ماده ۱۲۹۵ و ماده ۱۲۹۶ قانون مدنی اشاره کرد که در مورد روابط حقوقی بین‌المللی است. همچنین، ماده ۲، بند الف قانون ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم رسمی نیز تحت تأثیر قرار گرفته است. این تغییرات به منظور هماهنگی با مقررات بین‌المللی و ایجاد یکپارچگی در سیستم حقوقی صورت گرفته است. پیوستن ایران به کنوانسیون مذکور، با توجه به مزایای قابل توجه آن، نه تنها به جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک می‌کند، بلکه از خروج ارز برای تصدیق اسناد نیز جلوگیری می‌نماید. این اقدام، با در نظر گرفتن منافع ملی، گامی سودمند و ضروری است و شایسته است که روند عضویت در این کنوانسیون با سرعت و دقت بیشتری دنبال شود تا از فواید آن بهره‌مند شویم.

کلیدواژگان: سیاست خارجی ایران، روسیه، پهلوی دوم، جمهوری اسلامی، منافع ملی، واقع‌گرایی، روابط دوجانبه

نحوه استناددهی: دانشور، فائزه، فلاح خاریکی، مهدی. و تقی پور درزی نقیبی، محمدحسین. (۱۴۰۴). آثار و حدود الحاق ایران به کنوانسیون آپوستیل. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۳(۳)، ۱-۲۰.

در دنیای معاصر، دولت‌ها برای حفظ پایداری و پیشرفت خود، به روابط بین‌المللی قوی و مستحکم وابسته هستند. کنوانسیون‌ها، به عنوان یک قالب ویژه از معاهدات، نقش مهمی در توسعه و تقویت این روابط ایفا می‌کنند. این کنوانسیون‌ها، که شباهت زیادی به توافق‌نامه‌های بین کشورها دارند، ابزاری قدرتمند برای ایجاد یکپارچگی و هماهنگی در مقررات حقوقی بین‌المللی هستند. رضایت شهروندان در این فرایند، کلید مشروعیت دولت‌ها در دهکده جهانی است. با توجه به جهانی‌شدن و کاهش فاصله‌های جغرافیایی، شهروندان نیاز دارند که امور اداری و قضایی خود را به سرعت و سهولت انجام دهند، اعم از مسائل مربوط به اقامت، اشتغال، مهاجرت، و غیره. به همین دلیل، پیوستن به این کنوانسیون‌ها و توافق‌نامه‌های بین‌المللی، رو به افزایش است تا از این طریق، دولت‌ها بتوانند به نیازهای شهروندان خود پاسخ دهند و روابط بین‌المللی را تقویت کنند.

کنوانسیون آپوستیل، که در سال ۱۹۵۶ توسط شورای اروپا پیشنهاد شد، با هدف تسهیل روند تصدیق اسناد حقوقی بین‌المللی و جلوگیری از اتلاف وقت در تجارت بین‌الملل و سایر امور حقوقی، تدوین گردید. این کنوانسیون در سال ۱۹۶۰ در نهمین جلسه کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه به تصویب رسید تا نارضایتی‌های موجود در مورد روند طولانی تصدیق اسناد را برطرف کند. یونان، اتریش، لوکزامبورگ، سوئیس، و آلمان، پنج کشوری بودند که ابتدا این کنوانسیون را امضا کردند. طبق بند یک ماده ۱۱، این کنوانسیون ۶۰ روز پس از امضای فرانسه و سپردن سومین سند، به مرحله اجرا درآمد. امروزه، به دلیل فشارهای بین‌المللی، تعداد اعضای این کنوانسیون به ۱۲۴ کشور افزایش یافته است، که نشان‌دهنده اهمیت آن در تسهیل امور حقوقی بین‌المللی است.

با وجود این که کنوانسیون آپوستیل به عنوان یکی از مهم‌ترین کنوانسیون‌های لاهه شناخته می‌شود و در کشورهای مختلف به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد، ایران تا سال ۱۳۹۱ به این کنوانسیون نپیوسته بود. در فرانسه، به عنوان مثال، در یک سال برای دویست هزار سند دولتی آپوستیل صادر شده است، در حالی که ایران با وجود گذشت زمان طولانی از تصویب این کنوانسیون، هنوز درگیر مسائل و چالش‌های قانونی در زمینه تصدیق اسناد بود. دولت ایران در نهایت در سال ۱۳۹۱ با تصویب قانون الحاق به کنوانسیون لغو ضرورت تصدیق رسمی اسناد دولتی بیگانه، آمادگی خود را برای پیوستن به این کنوانسیون اعلام کرد. این اقدام گامی مهم در راستای تسهیل روند قانونی‌سازی و تصدیق اسناد در ایران بود. در سال ۱۳۹۴، قانون اصلاح قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون لغو تصدیق اسناد دولتی تصویب شد. هدف از این قانون، شفاف‌سازی و تسهیل روند پذیرش اسناد دولتی در سطح بین‌المللی بود. با وجود گذشت زمان قابل توجهی از تصویب این قانون، ایران هنوز به طور رسمی به عنوان عضو این کنوانسیون ثبت نشده است. در سال ۱۳۹۸، در دیداری با دبیر کل سازمان حقوق بین‌الملل در لاهه، این موضوع مورد بحث قرار گرفت و بر اهمیت عضویت ایران در این کنوانسیون تأکید شد. با وجود اینکه الحاق ایران به کنوانسیون مورد پذیرش قرار گرفته، این موضوع به طور رسمی اعلام نشده است. برخی حقوقدانان بر این باورند که طبق تبصره ۳ ماده واحده قانون الحاق، صدور آپوستیل منوط به آیین‌نامه‌ای است که پس از تصویب قانون الحاق تعیین خواهد شد. از این رو، تا پیش از مشخص شدن مرجع صدور آپوستیل، عضویت در کنوانسیون امکان‌پذیر نیست. به نظر می‌رسد سند الحاق ایران به کنوانسیون آپوستیل، پس از تصویب آیین‌نامه اجرایی در سال ۱۳۹۷، به امین کنوانسیون ارائه شده است.

الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون آپوستیل

در دهه ۹۰ شمسی، مکاتباتی بین سفارتخانه‌های خارجی در تهران و وزارت امور خارجه ایران صورت گرفت که توجه نظام جمهوری اسلامی را به خود جلب کرد. این مکاتبات حاوی نظرات و دیدگاه‌های وزارت امور خارجه کشورهای مختلف در مورد اسناد ایرانی بود. مشکل اصلی، عدم پذیرش اسناد ایرانی توسط دفاتر حقوقی و نمایندگی‌های دیپلماتیک خارجی بود، علی‌رغم این‌که این اسناد توسط مراجع قانونی ایران، از جمله وزارت امور خارجه و قوه قضاییه، تأیید شده بودند. دلیل این امر، تنها مهر و امضای مترجم و اداره امور مترجمان رسمی قوه قضاییه بر اسناد بود، بدون تأیید رسمی وزارت امور خارجه. در مورد ترجمه و محتوای اسناد ایرانی، هیچ تأییدیه رسمی وجود ندارد، و این امر باعث شده است که نمایندگان حقوقی در کشورهای دیگر، این اسناد را به رسمیت نشناسند (Moinipour, 2018). فقدان تأییدیه‌های معتبر، پذیرش این اسناد را در سیستم‌های حقوقی بین‌المللی دشوار کرده است (Otifeh, 2024).

در سال ۱۳۹۱، مجلس شورای اسلامی معاهده‌ای را تحت عنوان قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون لغو تصدیق اسناد دولتی تصویب کرد. این قانون در سال ۱۳۹۴ با الحاق یک تبصره و اصلاح تبصره ۲، تکمیل شد. براساس این قانون، هیأت وزیران در سال ۱۳۹۷، آیین‌نامه اجرایی را با توجه به پیشنهاد وزارت امور خارجه و همکاری سایر دستگاه‌های مرتبط، به تصویب رساند. این آیین‌نامه، براساس تبصره ۳ ماده واحده قانون الحاق دولت به کنوانسیون، تهیه و تنظیم شد (Bernasconi, 2013).

براساس این قانون جدید، روند تأیید اسناد قانونی در ارتباط با کنوانسیون مذکور ساده‌تر شده است. پیش از این، روندی طولانی و چند مرحله‌ای وجود داشت که شامل تأیید مهر و امضا توسط نمایندگی‌های سیاسی ایران و سپس تأیید مجدد توسط وزارت خارجه بود. اما اکنون، با این معاهده، تنها تصدیق مرجع صالح و الحاق سند تأیید شده، کافی است. این تغییر، فرآیند استناد به اسناد در ایران را تسریع و تسهیل می‌کند (Moinipour, 2018).

البته برخلاف ماده چهارم معاهده که لفظ تأییدیه بایستی به زبان فرانسوی یعنی Apostille باشد، این لفظ به فارسی ترجمه شده و چون دیگر به معنای اسم خاص خود استفاده می‌گردد، بهتر بود لفظ آپوستیل به‌طور مستقیم در نمونه سند انتهای معاهده و همچنین ترجمه معاهده استفاده گردد.^۲ اما تا اکنون، سایت رسمی این نهاد، نام جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان کشور عضو این کنوانسیون درج نکرده است، که خود از نکات قابل توجه است (HCCH, 2020).

مزایای پیوستن ایران به کنوانسیون آپوستیل

پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی، گامی مهم در جهت هماهنگ‌سازی قوانین و مقررات کشورها است. این امر نه تنها باعث تسهیل تجارت بین‌المللی می‌شود، بلکه برای تجار نیز جذابیت دارد، زیرا می‌توانند در کشورهایی فعالیت کنند که قوانین آن‌ها با سایر کشورها هم‌خوانی داشته باشد. عضویت در چنین کنوانسیون‌هایی، به ویژه در ایران، می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاران خارجی کمک کند، زیرا روند اداری را ساده‌تر کرده و موانع قانونی را برای اجرای اسناد خارجی برطرف می‌کند. این امر به ایجاد یک محیط تجاری پایدار و قابل پیش‌بینی کمک می‌کند که برای

^۲ در تعریف آپوستیل آمده است که: تأییدیه‌ای استاندارد است که مطابق با معاهده لاهه برای تأیید اسناد در کشورهای خارجی استفاده می‌گردد (Garner, 2004: 105)

^۱ آیین‌نامه اجرایی نحوه تعیین مرجع یا مراجع صدور تأییدیه (Apostilles) و دیگر مقررات اجرایی مربوط در چهارچوب این کنوانسیون بنا به پیشنهاد وزارت امور خارجه و با همکاری سایر دستگاه‌های ذی‌ربط ظرف سه ماه پس از تصویب الحاق، تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

نماینده‌گی‌های خارجی از این منافع محروم می‌شوند، که این امر می‌تواند در تشویق سرمایه‌گذاران بین‌المللی برای ورود به بازار ایران مؤثر باشد. این قرارداد، با ایجاد تعادل در منافع، به توسعه و رونق اقتصادی ایران کمک شایانی خواهد کرد (Bernasconi, 2007) با پیوستن به این کنوانسیون، هزینه‌های اضافی برای تصدیق اسناد حذف شده است. پیش از این، کنسولگری‌های کشور مقصد مبالغی را به‌عنوان هزینه تصدیق و تأیید اسناد دریافت می‌کردند، که اغلب به ارز خارجی بود. این امر به‌خصوص در مواردی که کشور مبدأ سند، میزبان کشور مقصد نبود، هزینه‌های جانبی مانند پست، ترجمه و حمل‌ونقل را نیز در پی داشت. اما با الحاق به این کنوانسیون، این روند ساده‌تر شده و از خروج ارز جلوگیری می‌کند (Darwin & Lewis, 2005). برخی افراد اظهار کرده‌اند که دانشجویان بین‌المللی برای تأیید و تصدیق مدارک تحصیلی خود با هزینه‌های قابل‌توجهی مواجه هستند. این روند می‌تواند شامل پرداخت هزینه چند هزار دلاری برای دانشجویان غیرعضو باشد تا مدارک تحصیلی خود را به رسمیت بشناسند (Arazmuradov, 2015).

برخی از حقوق‌دانان معتقدند که پیوستن به این کنوانسیون، روشی مؤثر برای مقابله با جعل اسناد است. طبق این کنوانسیون، مراجع مشخصی مسئول تأیید اسناد هستند، که این امر جعل آپوستیل را دشوارتر می‌کند. این فرایند، اطمینان از اصالت اسناد را افزایش می‌دهد و از جعل احتمالی جلوگیری می‌نماید (Haight, 1975) اما در طول زمان، نویسندگان به استفاده نادرست از آپوستیل پی بردند و یکی از نتایج منفی کنوانسیون را تسهیل جعل اسناد دانستند. این امر باعث شد تا نگرانی‌هایی در مورد اعتبار و امنیت اسناد رسمی مطرح شود (Adams, 2012).

آن‌ها چنین ادعا کرده‌اند که از میان برداشتن مجرای تصدیق اسناد توسط نمایندگی‌های کنسولی و دیپلماتیک سبب به‌وجودآمدن چنین جعل‌هایی خواهد شد. حال نتیجه چنین جعل‌هایی ورود

سرمایه‌گذاران خارجی بسیار ارزشمند است (Moshtaghi, 2009).

پویایی سرمایه‌فکری با جهانی‌شدن، همکاری‌های بین‌المللی و از میان برداشتن مرزها افزایش یافته است. این کنوانسیون، با فراهم کردن تسهیلات لازم، جابه‌جایی و انتقال افراد متخصص را در سطح بین‌المللی تسهیل می‌کند. به این ترتیب، فرآیند رشد و توسعه در حوزه تحصیلات تکمیلی، که نقش مهمی در پیشرفت اقتصادی دارد، تقویت می‌شود. با وجود سازوکارهای سریع و کارآمد برای تصدیق مدارک تحصیلی، افراد می‌توانند با اطمینان بیشتری در دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی، به ویژه در کشورهای پیشرفته، پذیرش بگیرند و به تحصیل بپردازند. این امر نه تنها به ارتقای سطح دانش و مهارت‌های افراد کمک می‌کند، بلکه به تبادل فرهنگی و علمی بین کشورها نیز منجر می‌شود (Knight, 2012).

براساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۰، عضویت در کنوانسیون «سرمایه‌گذاری برون‌مرزی» مزایای قابل‌توجهی به همراه دارد. این کنوانسیون با ساده‌سازی فرآیندهای اداری و حذف تشریفات پیچیده، سرمایه‌گذاری در خارج از کشور را تسهیل می‌کند. به‌علاوه، ثبت شعبه‌های شرکت‌های مادر در کشورهای دیگر را آسان‌تر می‌کند، که در نهایت به جذب سرمایه‌گذاری‌های بیشتر منجر خواهد شد (World Bank Group Staff, 2010). اتاق بازرگانی بین‌المللی در سال ۲۰۱۲، گزارشی منتشر کرد که در آن به نقش مهم کنوانسیون در بهبود تجارت جهانی و جذب سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی اشاره شده است. این گزارش، تأثیرات مثبت این کنوانسیون را در تسهیل مبادلات تجاری و ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری برجسته می‌کند (Permanent Bureau of the HCCH, 2013).

این کنوانسیون، با فراهم کردن مزایای مالی برای مراجع داخلی، به جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران کمک می‌کند. درمقابل،

کالاهای بی کیفیت خارجی به خصوص کالاها و اقلام دارویی، بهداشتی و پزشکی خواهد بود (Shahbazi & Ghorbanpour, 2013). دفتر دائم کنفرانس نیز در یک گزارش اختصاصی در سال ۲۰۰۸ به مسئله کلاهبرداری و جعل در خصوص مدارک تحصیلی اشاره کرده است (Adams, 2012). همچنین این مسأله در برخی دعاوی قضایی مطروحه در دادگاه-های ایالات متحده آمریکا دیده می شود؛ در پرونده «رنداک»^۱ و پرونده «گودایک»^۲ از سازوکار آپوستیل سوءاستفاده شده و برای اسناد جعلی سند آپوستیل دریافت شده و سپس این اسناد در دانشگاه‌ها ارائه شدند (Hashemi, 2020).

با ظهور فناوری تصدیق الکترونیکی، جعل اسناد به روش‌های سنتی تقریباً غیرممکن شده است. این سیستم‌ها با استفاده از تأیید آنلاین توسط مراجع معتبر، امنیت اسناد را تضمین می کنند. در این فرایند، اسناد به صورت خودکار و بدون دخالت مستقیم افراد، بررسی و تأیید می شوند و سپس به صورت ایمن به مقصد مورد نظر ارسال می گردند. این روش، نگرانی‌های مربوط به جعل را کاهش داده و اطمینان بیشتری در مبادلات اسناد ایجاد می کند. این کنوانسیون، با هدف ساده سازی روند تصدیق اسناد، از تعدد امضاهای مراجع محلی جلوگیری می کند. به این ترتیب، افراد دیگر نیازی به جستجوی مراجع مختلف برای تصدیق رسمی اسناد خود ندارند و روند تصدیق سند برای آن‌ها آسان تر و شفاف تر می شود. این امر به ویژه در کشورهای دارای نظام فدرال، که پیش از این با چالش تعدد مراجع ایالتی و فدرال برای تصدیق اسناد مواجه بودند، قابل توجه است. یکی از مزایای مهم این کنوانسیون، تسهیل روند دادخواهی و استناد به اسناد داخلی در دادگاه‌های بین المللی است. با این اقدام، اسناد داخلی در دادرسی‌های خارجی به راحتی

مورد استفاده قرار می گیرند و اعتبار آن‌ها به رسمیت شناخته می شود. همچنین، این کنوانسیون می تواند استفاده از اسناد در دادرسی‌های بین المللی را تسهیل کند، هرچند تاکنون از این ظرفیت بالقوه به طور کامل استفاده نشده است (Haight, 1975). با الحاق به کنوانسیون آپوستیل، قوانین ایران در مورد تصدیق اسناد بین المللی دستخوش تغییراتی می شود. ماده ۱۲۹۶ قانون مدنی^۳ ایران که نیاز به تصدیق اسناد توسط نمایندگی سیاسی ایران در کشور مبدأ و سپس وزارت خارجه را مطرح می کند، در مورد کشورهای عضو معاهده دیگر لازم الاجرا نخواهد بود. کنوانسیون، این روند را ساده تر کرده و تصدیق امضای نمایندگی سیاسی در وزارت خارجه را منتفی می داند. به این ترتیب، اسنادی که دارای آپوستیل هستند، باید مورد پذیرش قرار گیرند. علاوه بر این، بند ۴ ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی ایران نیز در مورد کشورهای عضو معاهده، به صورت نسبی نسخ می شود (Hartoyo & Fauziah, 2019).

براساس این قانون، ضروری است که مدارک و اسناد خارجی در سفارت ایران در کشور مربوطه تأیید و تصدیق شوند. این روند برای اعتبار بخشیدن به اسناد خارجی در ایران ضروری است. با پیوستن به این معاهده، مطابق با مواد ۲ و ۳، الزام تأیید اسناد دولتی توسط نمایندگان کنسولی و سیاسی ایران منتفی می شود. این قانون، بند الف ماده ۲ از قانون ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی را به طور نسبی لغو می کند. طبق قانون قبلی، اسناد صادر شده در کشورهای خارجی باید توسط مترجمان رسمی ایران تأیید می شدند، اما با این کنوانسیون، در صورتی که سندی در کشور دیگری ترجمه و توسط مرجع رسمی آن کشور تأیید شده باشد،

در محاکم ایران متوقف بر این است که وزارت امور خارجه و یا در خارج تهران حکام ایالات و ولایات امضا نمایندۀ خارجه را تصدیق کرده باشند.

^۱. Randock

^۲. Goodyke

^۳ هرگاه موافقت اسناد مزبور در ماده قبل با قوانین محل تنظیم خود توسط

نمایندۀ سیاسی یا کنسولی خارجه در ایران تصدیق شده باشد، قبول شدن سند

حقوقی وزارت دادگستری، نظریه‌ای را تأیید کرد که براساس آن، احکام قضایی خارجی در ایران به رسمیت شناخته می‌شدند، مشروط بر این‌که شرایط خاصی را دارا باشند. با این حال، روند اجرای این احکام در ایران، تا قبل از سال ۱۳۵۶، فاقد یک چارچوب منسجم و یکپارچه بود. تصویب قانون اجرای احکام مدنی در سال ۱۳۵۶، نقطه عطفی در این زمینه بود، چرا که مقررات دقیقی را برای شناسایی و اجرای احکام خارجی در ایران تعیین کرد (Zargari, 2020).

در نظام حقوقی متحول در مورد اجرای احکام خارجی براساس قانون اجرای احکام مدنی ضوابط معین و مشخصی در قانون به وجود آمد، به نحوی که مواد ۱۶۹ تا ۱۷۹ قانون اجرای احکام مدنی صراحتاً شرایط اجرای احکام مدنی در ایران را اعلام کرد. نظام جدید و تکمیلی قانون ایران بین مسئله ایجاد حق و تأثیر حق قائل به تفکیک شده است. یعنی حق ایجاد شده در خارج از ایران را واجد اثر دانسته و اجرای آن را تابع قوانین ایران قرار داده است، و روش ایران، روش قرار اجرا را پذیرفته و حکم خارجی را در قالب و اجرای احکام داخلی می‌ریزد. در این نظام جدید، آن احکام خارجی قابل اجرا هستند که کشور صادرکننده حکم طبق قوانین داخلی خود یا عهدنامه یا قرار دادگاه احکام صادره از ایران را معتبر بداند (Ghorbani Kalateh et al., 2023).

در این خصوص، در سال ۱۹۶۶، دولت ایران و فرانسه قراردادی دوجانبه در زمینه اقامت و دریانوردی امضا کردند. این قرارداد شامل ماده‌ای مهم است که به حقوق مساوی اتباع دو کشور در قلمرو یکدیگر اشاره دارد. در این ماده، هر دو کشور به طور ضمنی توافق کرده‌اند که احکام مدنی قطعی صادر شده در کشور مقابل را تحت شرایط خاصی در کشور خود به رسمیت بشناسند. این ماده، ماده ۵ قرارداد است که به ماده ۱۹ قرارداد عمومی لاهه در سال ۱۹۵۴ ارجاع می‌دهد، که چارچوبی را برای همکاری حقوقی بین‌المللی فراهم می‌کند. و براساس ماده ۳ از عهدنامه مودت و

نیازی به تأیید مجدد توسط نمایندگان سیاسی، کنسولی یا مترجمان رسمی ایران نیست (Emon, 2015).

درخصوص نسخ مواد قانونی ذکر شده، باید توجه داشت که این نسخ تنها در قبال کشورهای عضو این کنوانسیون اعمال می‌شود. به عبارت دیگر، نسخ نسبی است و محدود به اعضای این معاهده است، درحالی‌که برای کشورهای غیرعضو همچنان معتبر و لازم‌الاجرا است. با این حال، این مواد قانونی در قبال اسنادی که از شمول کنوانسیون مستثنی شده‌اند، فاقد اعتبار هستند. هرچند با توجه به استقبال و آگاهی روزافزون کشورها از اهمیت این کنوانسیون، احتمال نسخ کامل این مواد در آینده دور از ذهن نیست.

قلمرو مکانی و زمانی الحاق ایران به کنوانسیون آپوستیل

به دلیل آن‌که اجرای حکم خارجی در واقع اعمال حاکمیت دولت محل تنظیم حکم در حوزه حاکمیت دولت مجری است، لذا قانون مدنی هم به عنوان یک مورد استثناء حاکمیت ملی ایران در رسیدگی به امور به ترتیب فوق وارد کرده یعنی انحصار مطلق دولت در امر رسیدگی قضائی حقوقی قید احکام خارجی را پذیرفت، اما اجرای آن را در انحصار خود قرار داد و جزء حاکمیت دانست. به دیگر سخن، قانون مدنی ایران احکام خارجی را مورد شناسایی دانسته، اما بین امر شناسایی و امر لازم‌الاجرا بودن (اجرای محتوی سند بدون نظر قضایی) آن قائل به تفکیک است (Ghorbani Kalateh et al., 2023).

براساس ماده ۹۷۱ قانون مدنی، دعاوی درخصوص صلاحیت دادگاه‌ها و روند دادرسی، تابع قوانین کشور محل صدور حکم هستند. به این ترتیب، احکامی که در خارج از ایران صادر می‌شوند، با توجه به رعایت قوانین آیین دادرسی مدنی و صلاحیت دادگاه خارجی، براساس قانون همان کشور معتبر و قابل اجرا خواهند بود. این موضوع با در نظر گرفتن مقررات ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی، حکم خارجی را به رسمیت می‌شناسد. در سال ۱۹۷۴، اداره

اقامت امضا شده بین ایران و اتریش در سال ۱۹۶۵، هردو کشور توافق کرده‌اند که احکام دادگاه‌های ایران و اتریش، پس از قطعی شدن، در قلمرو خود طبق قوانین اجرای احکام کشور مربوطه قابل اجرا خواهند بود (Vafa'i & Alipour, 2016).

در قانون اجرای احکام، ماده ۱۷۱ بیان می‌کند که در صورت وجود توافق‌نامه‌های دوجانبه بین ایران و کشورهای دیگر، مانند اتریش و فرانسه، نحوه اجرای احکام براساس مفاد این معاهدات خواهد بود. این بدان معناست که در موارد خاص، مقررات توافق‌نامه‌ها بر قوانین داخلی ایران ارجحیت دارند و اجرای احکام براساس شرایط تعیین‌شده در این معاهدات صورت می‌پذیرد. به عبارتی، این معاهدات به رسمیت شناختن و اجرای احکام را در چارچوب توافق‌های بین‌المللی تضمین می‌کنند. و همچنین موافقت‌نامه‌ای که در سال ۱۹۹۹ میلادی بین ایران و روسیه به امضا رسید، در ماده ۳ خود بر اهمیت همکاری قضایی در زمینه‌های مختلف تأکید می‌کند. این همکاری شامل انجام تحقیقات در مورد طرفین دعوی، شناسایی و اجرای احکام قضایی در پرونده‌های مدنی است. جالب توجه است که این ماده مشابهت زیادی با ماده ۳ کنوانسیون روابط کنسولی بین ایران و اتریش در سال ۱۹۷۵ دارد، که بر شناسایی و اجرای تصمیمات قضایی در هردو کشور تأکید می‌کند (Tsouka, 2015).

توافقنامه اخیر دولت ایران و جمهوری آذربایجان در تاریخ ۱۹۹۸ در ماده ۳۷ تصمیمات لازم‌الاجرای قضائی طرفین در امور مدنی و خانوادگی و جبران ضرر و زیان ناشی از جرم را متقابلاً معتبر و قابل اجرا می‌داند. در غیاب موارد سه‌گانه فوق معامله متقابل نیز مستمسکی است که اجرای احکام خارجی در ایران را امکان‌پذیر می‌سازد. آپوستیل به منظور احراز اصالت یک سند در خارج از کشور مبدأ صادر می‌شود بنابراین صدور آپوستیل هیچ دلالتی بر این‌که آن سند در داخل کشور محل صدور سندی معتبر است نمی‌باشد. مطابق بند یک ماده یک کنوانسیون آپوستیل؛ مقررات

این کنوانسیون فقط در قلمروی اصلی و قلمروی تحت سلطه در بین اعضای آن قابلیت اجرا دارد یعنی کشور مبدأ در هنگام صدور سند کشور مقصد در هنگام اجرای سند بایستی درخواست عضویت در کنوانسیون را ارائه کرده باشند توجه داشته باشید که تاریخ لازم‌الاجرا شدن با تاریخ عضویت ممکن است شش ماه فاصله داشته باشد (Hendel & Lewis, 2005).

این بدان معناست که کشورهایی که به کنوانسیون نپیوسته‌اند یا در حال پیوستن هستند، مجاز به صدور آپوستیل نیستند. اگرچه ممکن است این آپوستیل‌ها در کشورهای غیرعضو، طبق قوانین داخلی خودشان معتبر تلقی شوند، اما طبق نظر دفتر کنوانسیون، این اسناد در کشورهای عضو و معاهده‌های مرتبط، معتبر نیستند. بنابراین، برای اسنادی که در کشورهای غیرعضو صادر شده‌اند، روند تایید اسناد طبق مقررات قبلی اعمال خواهد شد (Hashemi & Shahnoosh Faroshani, 2021).

اگر کشوری بخواهد به کنوانسیون آپوستیل ملحق شود درخواست او می‌تواند ظرف شش ماه از ارائه توسط کشورهای عضو کنوانسیون مورد اعتراض قرار گیرد. این اعتراض باید طی این مدت به بصورت مستدل به وزارت خارجه هلند به‌عنوان امین کشورهای عضو اعلام شود. اثر این اعتراض در دوران شش‌ماهه آن خواهد بود که احکام کنوانسیون بین دولت معترض و کشور محتواسازی الحاق قابلیت اجرا نخواهد داشت. لازم به توضیح است که کشور معترض می‌تواند در هر زمانی از اعتراض خود رجوع نماید تا آثار کنوانسیون بین آن دو دولت جریان یابد (Ghorbani Kalateh et al., 2023).

است و در صورت لزوم با اینترنت همکاری خواهد کرد. با این حال، این بیانیه تأیید نمی‌کند که دادگاه‌های ایرانی قضاوت‌های خارجی را می‌پذیرند، بلکه صرفاً پذیرفتن آن‌ها برای رسیدگی است. با این حال، این موضع توسط محققانی که می‌گویند احکام خارجی تا زمانی که با نظم عمومی ایران منطبق باشد پذیرفته می‌شود، افزوده شده است. در حالی که به رسمیت شناخته شده است که دادگاه‌های ایران با کشورهای دیگر برای تسهیل آدم‌ربایی ارتباط برقرار می‌کنند، احتمالاً چنین فرضیاتی آرمان‌گرایانه هستند. در عمل، تجربیات متناقضی از دادگاه‌های ایران وجود دارد. از یک طرف، در *S v S*، بازگشت به ایران رد شد، زیرا دادگاه متقاعد نشده بود که یک دادگاه ایرانی موافقت کند ... با پیروی از ... شرایط تحمیل شده توسط دادگاه انگلیس (Singal, 2021). اظهارات سینگال را رد می‌کند و ثابت می‌کند که دادگاه‌های ایران همکاری نمی‌کنند. برعکس، لوران، یک تبعه فرانسوی، «مملو از ستایش عدالت ایران بود». همان‌طور که «او قضات [ایرانی] را تجربه کرد که نسبت به برخی قضات فرانسوی انسانی‌تر و وظیفه‌شناس‌تر بودند». همسر سابق لوران که یک تابعیت دوگانه ایرانی-فرانسوی بود، فرزندانشان را در سرپیچی از حکم دادگاه فرانسه که حضانت لوران را اعطا کرده بود، به ایران ربود. علی‌رغم نگرانی‌ها مبنی بر این که وضعیت وی به‌عنوان یک غربی علیه او محسوب می‌شود، دادگاه‌های ایران تصمیم فرانسه را تأیید کردند و دستور بازگشت به فرانسه را صادر کردند. در حالی که این نشان می‌دهد که دادگاه‌های ایران به ظاهر عادلانه هستند، و (تأخیر) هرگونه دلبسته از رفتار متفاوت با خارجی‌ها را رد می‌کند، با این وجود، ناراحت‌کننده است که لوران به این موضوع دل‌بسته است که «قانون ایران به محض رسیدن هر فرزند به هفت سالگی، به‌طور خودکار حضانت را به پدر واگذار می‌کند» (Randall, 2012). این موضوع باعث می‌شود که افراد این سوال را مطرح کنند که آیا حضانت به دلیل تعصب آشکار مردانه از جانب ایران بوده است یا

استدلال علیه پیوستن ایران به کنوانسیون آپوستیل

این بخش به گردآوری، تقویت و پیشبرد استدلال‌ها درباره پیوستن ایران به کنوانسیون می‌پردازد و به این نتیجه خواهد رسید که الحاق ایران مفید و امکان‌پذیر است.

پناهگاه امن

با عدم الحاق، ایران به‌عنوان «پناهگاه امن» برای مرتکبین آزار خانگی در نظر گرفته می‌شود. در حالی که این تصور قطعاً قابل قبول است زیرا مرتکبین می‌توانند از مسئولیت کیفری برای آدم‌ربایی و سوءاستفاده احتمالی فرار کنند، سناریویی را که در آن خلاف آن قابل اعمال است نادیده می‌گیرد. یعنی، آیا ایران با باقی‌ماندن یک کشور غیرامضاکننده، واقعاً می‌تواند به قربانیان آزار خانگی کمک کند؟ این نویسنده پیشنهاد می‌کند که قربانیان ادعایی ممکن است برای دور زدن امکان بازگشت فوری به دستور دادگاه، فرار به ایران را انتخاب کنند. این ممکن است به قربانیان اطمینان خاطر بدهد، به‌ویژه با توجه به اینکه استثناء «خطر شدید آسیب» به‌طور محدود تفسیر می‌شود. با این حال، در حالی که اطمینان وجود دارد، هیچ اطمینان قانونی وجود ندارد. به‌عنوان مثال، با فرض این که مادری که از آزار خانگی طفره می‌رود، فرزندش را به ایران می‌رساند، اگر پدر متوجه این موضوع شود و به آن‌جا سفر کند، دادگاه‌های ایران به احتمال زیاد حضانت را به پدر خواهند داد. این امر مخالف این گزاره است و آن را به‌عنوان استدلالی غیرقابل قبول علیه الحاق تبدیل می‌کند (Otfteh, 2024).

پادمان‌های کافی

استدلال قانع‌کننده‌تر این است که ایران از قبل برای مقابله با آدم‌ربایی مجهز است. در حال حاضر، اگر کودکی بر خلاف حکم حضانت خارجی به ایران ربوده شود و آن حکم در کنسولگری ایران به ثبت رسیده باشد، روند اجرای آن به‌زودی آغاز می‌شود (Solicitors, 2017). علاوه بر این، همان‌طور که توسط سینگال توضیح داده شد، ایران برای پذیرش قضاوت‌های خارجی آماده

به این دلیل که تصمیم فرانسه «درست» بوده است. علاوه بر این، لوران به توصیه وکیل خود به اسلام گروید. این سؤال مطرح می‌شود که آیا دادگاه‌های ایران بر اساس حضانت غیرمسلمان به حکم خارجی حکم می‌کردند؟ ایمون متقاعد نشده است و ادعا می‌کند که «والدین چپ‌گرا که مسلمان نیستند، [و] زنان... در کشورهای با اکثریت مسلمان رنج می‌برند» (Emon, 2015). به‌طور مشابه، ساندرسون به درستی اشاره می‌کند که قوانین ایران تابع تعصبات شاغلین فردی است. بنابراین، مشکوک است که نتیجه مشابه رخ دهد. بر این اساس نتیجه این پرونده از این جهت آلوده است که پدر و مادر درخواست‌کننده مرد بوده است نه زن و مسلمان بوده است. در مجموع، درحالی‌که کنوانسیون به درستی استرداد اجمالی بدون جانبداری را ارائه می‌کند، چنین تضمینی توسط دادگاه‌های ایران ارائه نمی‌شود. از این رو، آن‌گونه که هست، ایران برای مقابله با کودک ربایی والدین ناکافی است (Martin, 2014).

تشخیص

به گفته اندروز، به رسمیت شناختن یک مانع محسوس برای الحاق باقی مانده است. برای این که کنوانسیون بین کشورها عملیاتی شود، اعضای فعلی باید الحاق یک عضو جدید را به رسمیت بشناسد. باین‌حال، همان‌طور که بومونت قاطعانه بیان می‌کند، به رسمیت شناختن مستلزم «پذیرش ضمنی رژیم اجتماعی و حقوقی حاکم در آن ایالت است» (Otifeh, 2024). بنابراین، دولت‌های متعاقد برای اطمینان از قابل قبول بودن استانداردهای عدالت در یک کشور ملحق، محتاط هستند. در مورد ایران، مرگ مهسا امینی در سال ۲۰۲۲، موجب یک سلسله اعتراضات بین‌المللی ضددولتی شد (Iranian Executions: Women Life Freedom, 2023).

مهاجران ایرانی، ازجمله، به محدود کردن حقوق زنان، سیستم قضایی که مشخصه آن محاکمه‌های ناعادلانه و مجازات‌های شدید

ازجمله استفاده از مجازات اعدام برای اهداف سیاسی است، اعتراض دارند. اعتراضات جاری «زنان، زندگی، آزادی» این مسائل را به منصفه ظهور رساند و منجر به محکومیت تزلزل ناپذیر بین‌المللی شد. بریتانیا ۵۰ تحریم علیه ایران اعمال کرد و سازمان ملل یک هیئت حقیقت یاب مستقل را اعمال کرد. با توجه به این موضوع، بعید است که الحاق ایران به رسمیت شناخته شود. برعکس، می‌توان گفت که کشورها بیشتر نگران پیامدهای سیاسی امتناع از به رسمیت شناختن الحاق هستند (Otifeh, 2024)، یا کشورها ممکن است بر این باور باشند که مزایای به رسمیت شناختن الحاق بیشتر از هر نگرانی است. باین‌حال، این دیدگاه اشتباه است. به رسمیت شناختن ایران که نظام حقوقی آن به استانداردهای اساسی عدالت طبیعی پایبند نیست، ممکن است به اهداف کنوانسیون خیانت کند و حتی ممکن است باعث افزایش استفاده از استثنای حقوق بشر برای بازگشت شود.

علاوه بر این، با توجه به سابقه بریتانیا در عدم به رسمیت شناختن الحاق مراکش و پاکستان، به رسمیت شناختن الحاق ایران غیرمحتمل است. باین‌حال، اگرچه به رسمیت شناختن آن بعید است، اما این بدان معنا نیست که ایران نباید به آن ملحق شود. درواقع، با پیوستن به اوج خیزش‌های سیاسی-اجتماعی ایران، دولت ایران می‌تواند تعهد خود را برای حفظ حقوق زنان و کودکان در قبال شهروندان خود و جامعه بین‌المللی به نمایش بگذارد (Otifeh, 2024).

۶- دسته‌بندی اسناد و مدارک مشمول کنوانسیون آپوستیل

این کنوانسیون، چارچوبی جامع را برای بررسی و تحلیل اسناد و مدارک ارائه می‌کند. در این راستا، ابتدا به بررسی دامنه و شمول این کنوانسیون می‌پردازیم و سپس استثنائات و موارد خارج از این چارچوب را مشخص می‌کنیم. این تحلیل شامل بررسی انواع اسناد، استثنائات ذکر شده در کنوانسیون، ترجمه اسناد، مراجع قانونی و همچنین طرح آپوستیل الکترونیک است. هدف اصلی،

مدارک دانشگاهی. این معاهده به‌طور خاص شامل اسناد عمومی و مصدق می‌شود. باین‌حال، اسناد دیپلماتیک، کنسولی، و اداری مرتبط با تجارت یا گمرک در این معاهده گنجانده نشده‌اند. بند سوم ماده ۱ کنوانسیون به‌طور دقیق استثنائات مذکور را مشخص می‌کند و باید به دقت تفسیر شود (Zablud, 2020).

کنوانسیون سند عمومی را به‌طور صریح تعریف نکرده است و این امر را به کشور صادرکننده سند واگذار کرده است. در نگاه اول، ممکن است تصور شود که با واگذاری این مسئولیت به کشور مبدأ، اختلافات برطرف خواهد شد. اما درواقع، این موضوع پیچیده‌تر از آن است که به‌نظر می‌رسد. کشور مقصد سند باید به‌طور غیرمستقیم، تعاریف مختلف سند عمومی را که توسط کشورهای عضو ارائه شده است، درنظر بگیرد. این امر مستلزم بررسی دقیق و درک تعاریف متنوع سند عمومی در کشورهای مختلف است تا اطمینان حاصل شود که هر سندی که تحت این کنوانسیون پذیرفته می‌شود، با تعریف کشور صادرکننده مطابقت دارد (Hartoyo & Fauziah, 2019).

در کنوانسیون، بر اهمیت اسناد عمومی نسبت به اسناد دولتی تأکید شده است، که این موضوع در مذاکرات هیئت‌های نمایندگی به‌خوبی مشهود است. درواقع، در مراحل اولیه تدوین کنوانسیون، بحث‌های متعددی در مورد استفاده از اصطلاحات سند عمومی و سند دولتی مطرح شد. درنهایت، عبارت سند عمومی به‌عنوان ترجیح و انتخاب اصلی مورد توافق قرار گرفت. دلیل این انتخاب، اعتقاد تهیه‌کنندگان کنوانسیون به ضرورت اعمال این کنوانسیون بر تمامی اسناد، به‌جز آن‌هایی بود که توسط افراد در موقعیت‌های شخصی امضا می‌شوند (Shahbazi & Ghorbanpour, 2013). همچنین این عبارت به‌طور کلی به‌عنوان یک سند عمومی شناخته می‌شود و به اعتقاد برخی، این اصطلاح، دامنه و کاربرد کنوانسیون را گسترده‌تر می‌کند (Loussouarn, 1961).

مقایسه این مفاهیم با نظام حقوقی ایران و ارزیابی راهکارهای ارائه‌شده در آیین‌نامه اجرایی وزارت امور خارجه ایران است تا با درک بهتر این کنوانسیون، بتوانیم پیشنهادهایی برای بهبود و هماهنگی بیشتر ارائه دهیم.

اسناد مشمول کنوانسیون

در حقوق ایران، اصطلاحات اسناد عمومی و سند دولتی کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند و تا حدودی ناشناخته هستند. در ماده یک کنوانسیون، از اسناد عمومی نام برده شده، اما جالب است بدانید که در سال ۱۳۹۱، هنگام الحاق به این کنوانسیون، سند عمومی به سند دولتی ترجمه شد. این امر نشان‌دهنده تفاوت‌های جالب توجهی در زبان حقوقی است (Falsafi, 2014). در سال ۱۳۹۴، قانون‌گذار در تفسیر خود از اسناد عمومی، به‌طور خاص به اسناد دولتی اشاره کرد. در تبصره ۲ ماده واحده الحاقی، دولت ایران به صراحت بیان کرد که «سند دولتی» در این کنوانسیون به معنای سند رسمی است. این تبصره برای روشن‌سازی مفهوم اسناد دولتی و تمایز آن از اسناد عمومی در نظام حقوقی ایران اضافه شد (Vafa'i & Alipour, 2016).

اهمیت تمایز بین سند رسمی، سند عمومی و سند دولتی در معاهده قابل توجه است. در ابتدا، تعریف سند عمومی در طرح کلی معاهدات ارائه شده است، و سپس تعاریف دیگری در این زمینه ارائه می‌شود تا تفاوت بین این اصطلاحات مشخص شود. این امر به‌ویژه در مواردی که این کلمات ارتباطی مانند عموم و خصوص مطلق یا عموم و خصوص من وجه دارند، حائز اهمیت است. بدون درنظر گرفتن ماهیت اسناد عمومی، ممکن است برخی اسناد به اشتباه تحت کنوانسیون قرار گیرند که این مغایر با مقصود قانون‌گذار ایرانی است (Loussouarn, 1961).

اسناد و مدارک مختلفی تحت پوشش معاهده آپوستیل قرار می‌گیرند، از جمله گواهی‌های تولد، ازدواج، فوت، ثبت‌های تجاری، اختراعات، آرای دادگاه‌ها، اسناد رسمی، تایید امضا و

با این اوصاف هدف از به‌کارگیری اصطلاح سند عمومی در این کنوانسیون، ایجاد یک چارچوب فراگیر و جامع است تا طیف وسیعی از اسناد را تحت پوشش قرار دهد. در این رویکرد، علی‌رغم این‌که تعریف دقیق سند به قوانین و مقررات هر کشور بستگی دارد، به‌دنبال ایجاد یک سیستم جهانی و یکپارچه برای مدیریت اسناد است. تبصره الحاقی، اهمیت تعریف واژه‌های اسناد رسمی، اسناد عمومی و اسناد دولتی را در ترجمه‌ها آشکار می‌کند. این تبصره توضیح می‌دهد که عبارت سند دولتی درواقع به سند رسمی اشاره دارد، همان‌طور که در ماده اول ذکر شده است. این موضوع حائز اهمیت است زیرا قبل از اضافه‌شدن این تبصره، در ترجمه‌ها از اسناد دولتی استفاده شده بود، که به‌دلیل شمولیت وسیع‌تر اسناد عمومی در تمام اسناد بود. متن اصلی معاهده، به وضوح، از به‌کارگیری عبارت اسناد دولتی خودداری کرده است، درحالی‌که ترجمه‌های ارائه‌شده، این عبارت را شامل می‌شوند. این تفاوت، به‌ویژه در مورد مدارک دانشگاهی، قابل توجه است. تنظیم‌کنندگان معاهده، با آگاهی کامل، از این عبارت استفاده نکرده‌اند، که نشان‌دهنده تمایز مهمی بین اسناد عمومی و اسناد دولتی است. نظارت بر ابتکارات بین‌المللی در زمینه آموزش، به‌ویژه در سطح تحصیلات تکمیلی، نیازمند توجه به این تفاوت‌ها است تا اطمینان حاصل شود که همکاری‌های آموزشی با کیفیت بالا و در چارچوب معاهده انجام می‌شود (Altbach & Knight, 2007).

در عرصه جهانی، تحصیلات تکمیلی به موضوعی مهم بدل شده است که در مرکز توجهات توسعه اقتصادی و تحولات اجتماعی قرار دارد. هدف اصلی این کنوانسیون، تسهیل روند تحصیلات تکمیلی از طریق به رسمیت شناختن مدارک دانشگاهی است. این امر به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری و گسترش این روند در سطح بین‌المللی شناخته می‌شود (De Wit, 2011). همچنین در بازه زمانی ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۳، تعداد دانشجویان ایرانی که در خارج از کشور مشغول به تحصیل بودند، به حدود نیم میلیون

نفر می‌رسید. این آمار نشان‌دهنده‌ی افزایش قابل‌توجهی در تعداد دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های بین‌المللی است (Arazmuradov, 2015). براساس تعاریف ارائه‌شده در معاهده، تمامی اسناد و مدارک صادرشده توسط نهادهای عمومی، حتی اگر دولتی نباشند، تحت پوشش این معاهده قرار می‌گیرند. به‌عنوان مثال، طبق مصادیق ذکرشده در ضمیمه معاهده، مدارک تحصیلی صادرشده از دانشگاه‌های غیرانتفاعی و آزاد نیز باید مشمول این معاهده شوند. بااین‌حال، اگرچه این مدارک به‌طور قطع دولتی نیستند، ترجمه و تفسیر اولیه قانون ممکن است باعث استثنا شدن آن‌ها از معاهده شود، که با اهداف اصلی معاهده در تضاد است (Tsouka, 2015).

در حقوق ایران، سند رسمی و سند دولتی از نظر تعریف و ویژگی‌ها متمایز هستند. طبق ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی، سند رسمی به اسنادی اطلاق می‌شود که در دفاتر ثبت اسناد و املاک، دفاتر اسناد رسمی، یا توسط سایر مأمورین رسمی و در چارچوب صلاحیت‌های قانونی آن‌ها و مطابق با مقررات تنظیم شده باشد. این تعریف سه عنصر اساسی را مشخص می‌کند: دخالت مأمور رسمی، صلاحیت قانونی این مأمور، و رعایت ضوابط و مقررات در تنظیم سند (Katouzian, 2011). حال با توجه به این مسئله در حقوق ایران، اسناد رسمی به چهار گروه اصلی طبقه‌بندی می‌شوند. این دسته‌بندی شامل اسناد اداری، اسناد قضایی، اسناد فراقضایی و اسناد تنظیم‌شده با اراده طرفین در دفاتر اسناد رسمی است. اسناد اداری، قضایی و فراقضایی، هرکدام حوزه‌های خاص خود را دارند (همان: ۲۹۵). اما اسناد رسمی که در دفاتر اسناد رسمی با توافق و اراده طرفین تنظیم می‌شوند، در حقوق ثبت اسناد و املاک، به‌عنوان اسناد معتبر و رسمی شناخته می‌شوند. این اسناد شامل مواردی مانند قراردادها، توافق‌نامه‌ها و سایر اسناد حقوقی هستند که در دفترخانه‌ها ثبت می‌گردند (Adabi, 2018). سند رسمی در قانون مدنی و ثبت اسناد و املاک، دارای تعاریف و

قضائیه تأیید کرد که مامور رسمی و مامور دولتی می‌توانند متفاوت باشند. به‌همین دلیل، این قانون اصلاح‌شده، شامل تمام اسناد رسمی و دانشنامه‌های صادرشده از سوی مؤسسات دولتی و خصوصی دارای مجوز می‌شود. این تغییر، اطمینان می‌دهد که طیف وسیع‌تری از اسناد تحت پوشش این معاهده قرار می‌گیرند (Adabi, 2018).

استثنائات وارد بر کنوانسیون

درخصوص شمول کنوانسیون به اسناد و مدارکی که نمایندگی‌های کنسولی یا دیپلماتیک یک کشور در قلمرو کشور دیگر، در مقام سردفتر اسناد رسمی کشور خود عمل می‌نمایند، مشکلات عدیده‌ای بروز خواهد کرد. به‌عنوان مثال، چنانچه سندی در ایتالیا توسط یک کنسول فرانسه صادر شود، این سند تا جایی که به مراجع ایتالیایی مربوط است سند خارجی محسوب می‌شود، چنان‌که همان سند در فرانسه توسط یک سردفتر اسناد رسمی صادر می‌شد. از این‌رو بسیار نامناسب می‌نماید که قوانین کنوانسیون نسبت به چنین سندی اعمال شود، چه آنکه ضروری است سند مذکور به‌منظور دریافت تصدیق‌نامه به کشور متبوع کنسول صادرکننده آن ارسال و مجدداً برای کشوری که قرار است سند مذکور در آن ارائه شود بازپس فرستاده شود (Explanatory Report on the 1961 Hague Apostille Convention, p. 4). براساس ماده‌ی یک کنوانسیون، دو گروه از اسناد از محدوده‌ی این توافق‌نامه معاف هستند. این بند شامل اسناد صادرشده توسط مقامات کنسولی و دیپلماتیک می‌شود، به‌علاوه اسنادی که به‌طور مستقیم با فعالیت‌های تجاری یا گمرکی مرتبط هستند. نویسندگان این معاهده در ابتدا قصد داشتند اسناد صادراتی را نیز دربر گیرند، اما درنهایت این تصمیم را کنار گذاشتند (Leich, 1982).

مفاهیم متفاوتی است. این تفاوت در تعریف، باعث می‌شود که اصطلاح سند دولتی در ترجمه معاهده، دقت لازم را نداشته باشد و شامل موارد متعددی نشود. برای مثال، مدارک و اسناد دانشگاه‌های غیردولتی، مصداق بارزی است که در این تعریف جای نمی‌گیرد. بنابراین، لازم است در ترجمه و تفسیر معاهدات، دقت بیشتری در انتخاب واژه‌ها و تطبیق آن‌ها با قوانین داخلی صورت گیرد تا از بروز ابهامات و اختلافات احتمالی جلوگیری شود. قانون‌گذار با درک اهمیت این موضوع، تبصره الحاقی را به معاهده اضافه کرده است، زیرا لفظ سند رسمی به‌درستی با مصادیقی که در سند ضمیمه ذکر شده، مطابقت دارد. آیین‌نامه اجرایی به‌طور واضح به ماده ۱۲۸۷ اشاره می‌کند تا مبنای تعیین اسناد رسمی را مشخص کند. در این آیین‌نامه، از عبارت مراجع عمومی به‌جای مراجع دولتی استفاده شده است، و مدارک تحصیلی و آموزشی به‌عنوان مثال ذکر شده‌اند. این آیین‌نامه بر نوع اسناد تأکید دارد و تنها شامل اسناد رسمی می‌شود (Otifeh, 2024). برخی ممکن است استدلال کنند که مدارک تحصیلی صادر شده توسط مؤسسات خصوصی، مانند دانشگاه آزاد و دانشگاه‌های غیرانتفاعی، به‌دلیل عدم تنظیم توسط مأمورین رسمی مطابق با ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی، رسمی تلقی نمی‌شوند. بااین‌حال، این دیدگاه کاملاً دقیق نیست. ماده مذکور اشاره دارد که تنظیم سند توسط فردی مجاز از سوی نهاد دولتی کافی است، و لزوماً به معنای استخدام دولتی فرد تنظیم‌کننده نیست. بنابراین، مدارک صادر شده توسط این مؤسسات خصوصی نیز می‌توانند دارای اعتبار رسمی باشند. قانون‌گذار در سال ۱۳۹۱، تنها اسناد دولتی را در این معاهده درنظر گرفته بود، اما در سال ۱۳۹۴ با اصلاح قانون و تصویب آیین‌نامه‌ای جدید، این دیدگاه اصلاح شد. اداره کل حقوقی قوه

بیان شده است، که شامل اسنادی است که توسط نهادهای سیاسی یا کنسولی صادر می‌شوند و اسناد اداری مرتبط با تجارت یا امور گمرکی می‌باشد. اگرچه تکرار این موارد در تبصره ممکن است اضافی به‌نظر برسد، اما تأکید بر این استثنائات در متن اصلی ضروری است.

^۱ این کنوانسیون در برخی موارد خاص قابل اعمال نیست. موارد استثنا شامل اسناد دیپلماتیک و کنسولی است که توسط نمایندگان رسمی تأیید می‌شوند. همچنین، اسناد اداری مرتبط با فعالیت‌های تجاری یا گمرکی نیز در خارج از حوزه این کنوانسیون قرار می‌گیرند. این استثنائات در ماده ۲ آیین‌نامه کنوانسیون به وضوح

اسناد کنسولی، شامل مدارک مربوط به رویدادهای مهم زندگی شهروندان، مانند ازدواج، طلاق، تولد و مرگ، توسط سفارتخانه‌ها صادر می‌شود. این استثنا در کنوانسیون، با هدف تسهیل روند تصدیق اسناد در نظر گرفته شده است. در غیر این صورت، اگر این اسناد به کشور مبدأ بازگردانده شود تا گواهی آپوستیل دریافت کنند، فرآیندی زمان‌بر و پیچیده خواهد بود (Zargari, 2020). این کنوانسیون به درستی استثنای اسناد تجاری و گمرکی را در نظر گرفت، زیرا تصدیق این اسناد قبلاً بدون تشریفات خاص و با تأیید ساده دولت‌ها انجام می‌شد. شامل کردن این اسناد در کنوانسیون، نه تنها با رویه‌های تجاری بین‌المللی و اصول حقوق تجارت مغایرت دارد، بلکه هدف اصلی کنوانسیون، یعنی حذف تشریفات تصدیق اسناد، را نیز نقض می‌کند (Leich, 1982).

قبول این امر، خلاف فلسفه وجودی تدوین و اجرای کنوانسیون ۱۹۶۱ لاهه خواهد بود. اما استثنای بند (ب) فوق‌الاشاره با این واقعیت قابل توجه است که هم‌اکنون در اغلب کشورها با چنین اسنادی برخورد مطلوبی صورت می‌پذیرد. بنابراین شمول آن در قلمرو کنوانسیون ضروری نیست. با وجود این، توافق بر این عبارت پس از مباحثات و مذاکرات طولانی مدت حاصل شد. سؤال این بود که آیا استثنایی نسبت به این مستثنا وجود داشته باشد یا خیر و اینکه آیا گواهی مبدأ و گواهی‌های صادرات/واردات داخل در قلمرو کنوانسیون قرار گیرد یا خیر. سرانجام به دو دلیل این امر صورت نپذیرفت. اولاً، در زمانی که دولت‌های اروپایی طرفهای اولیه مذاکرات کنوانسیون لاهه ۱۹۶۱ بودند، این اسناد را همانگونه که صادر می‌شد معتبر دانسته و نیازمند اخذ تأیید مجدد نمی‌دانستند. ثانیاً، در مواردی که تشریفات مورد نیاز است، این موضوع در رابطه با تأیید نیست بلکه به تصدیق محتوا، حجم یا ظرفیت مربوط می‌شود (Explanatory Report on the 1961 Hague Apostille Convention, p. 5).

در ماده ۱۶۱ آیین‌نامه، راهکاری برای رسیدگی به موارد عدم تأیید اسناد براساس ماده ۷ ارائه شده است. طبق این ماده، در صورتی که سندی به دلایل مشخص‌شده در ماده ۷ تأیید نشود، دارنده سند می‌تواند اعتراض خود را به وزارت امور خارجه اعلام کند. با این حال، نکته قابل توجه این است که وزارت امور خارجه به عنوان مرجع رسیدگی به اعتراضات، خود صادرکننده رأی و تصمیم است، که این امر می‌تواند به عدم بی‌طرفی در روند اعتراض منجر شود. در این ماده همچنین ذکر شده است که اگر پس از اعتراض، سند همچنان مورد تأیید قرار نگیرد، فرد می‌تواند برای اعتراض به «مراجع قضایی صالح» مراجعه نماید. این موضوع در تضاد با این دیدگاه است که هم دادگاه عمومی و هم دیوان عدالت اداری می‌توانند مرجع رسیدگی به اعتراض علیه نظر وزارت امور خارجه باشند (Zargari, 2020).

نتیجه‌گیری

با الحاق به کنوانسیون لغو ضرورت تصدیق اسناد، مزایای قابل توجهی حاصل خواهد شد. این کنوانسیون به طور خلاصه، مزایایی را تضمین می‌کند که در ادامه به طور مختصر توضیح داده شده‌اند: قانون مذکور، با هدف تسهیل فرآیندهای اداری و حذف مراحل اضافی در تصدیق اسناد، به تصویب رسیده است. یکی از نکات قابل توجه در این قانون، عدم ترجمه لفظ آپوستیل است، که برخلاف تصور رایج، نیازی به ترجمه ندارد. این کنوانسیون، با الحاق به آن، تبادل اسناد را آسان‌تر می‌کند و به این ترتیب، تحصیل در کشورهای دیگر را تسهیل می‌نماید. همچنین، با کاهش خروج ارز و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، به بهبود اقتصاد کشور کمک می‌کند. با وجود این که این موضوع ممکن است نادیده گرفته شود، اما حذف مراحل تصدیق در کشور مقصد می‌تواند به جعل اسناد منجر شود. در واقع، در دو مورد در ایالات متحده آمریکا، جعل مدارک دانشگاهی با سوءاستفاده از سیستم آپوستیل گزارش شده است. برای جلوگیری از این مشکل، ضروری است که از روش

این کنوانسیون در مورد اسناد رسمی، استثنائاتی را برای اسناد گمرکی و کنسولی در نظر گرفته است، که ایران نیز آن را پذیرفته است. علاوه بر این، ایران اسناد دیگری را نیز از این قاعده مستثنی کرده است، از جمله اسناد مرتبط با نظم عمومی، اخلاقیات، منافع و امنیت ملی، و اسناد محرمانه. در صورتی که سندی براساس این معیارها تأیید نشود، امکان اعتراض در وزارت امور خارجه وجود دارد، اما این روند می تواند چالش برانگیز باشد، زیرا همان مرجعی که سند را بررسی کرده، مسئول رسیدگی به اعتراض نیز هست. این امر مغایر با اصول معمول اعتراض به رأی است، زیرا استقلال و بی طرفی در فرایند رسیدگی به اعتراض نقض می شود. براساس ماده شانزدهم آیین نامه، در صورت عدم تأیید سند توسط وزارت امور خارجه در مرحله اعتراض، فرد حق مراجعه به نهادهای قانونی ذی صلاح را دارد. اگرچه مرجع مشخصی در این مورد ذکر نشده است، اما با استناد به ماده اول قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، می توان دیوان عدالت اداری را مرجع صالح دانست. برای جلوگیری از هرگونه ابهام در مورد صلاحیت، پیشنهاد می شود که به صراحت به این مرجع اشاره شود تا از بروز اختلاف احتمالی بین دادگاه عمومی و دیوان عدالت اداری جلوگیری شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

In the modern globalized era, states increasingly rely on international cooperation to meet the administrative and legal needs of their citizens. The Apostille Convention of 1961, formally known as the Hague Convention Abolishing the Requirement of

تصدیق آنلاین یا آپوستیل الکترونیک استفاده شود. اگرچه آیین نامه اجرایی بر این موضوع تأکید دارد، عدم توجه به آن در عمل می تواند زمینه ساز جعل گسترده اسناد، به ویژه مدارک تحصیلی، شود.

در برخی موارد، فرایند تصدیق اسناد در کشور مبدأ می تواند شامل مراحل متعددی باشد. این روند شامل تأیید امضا و مهر توسط مرجع صادرکننده سند و سپس صدور گواهی آپوستیل توسط مرجع صالح است. ایران، مطابق با مقررات خود، این روش چندمرحله ای را پذیرفته است، اما باید توجه داشت که بسیاری از کشورهای پیشرفته به سمت ساده سازی این روند با اتخاذ روش تک مرحله ای حرکت کرده اند. برای بهبود و تسریع در روند تصدیق اسناد، پیشنهاد می شود ایران نیز روش تک مرحله ای را در نظر بگیرد تا از پیچیدگی های اداری بکاهد. در قانون ایران، اصطلاح اسناد دولتی در ابتدا به طور اشتباه به عنوان ترجمه ای برای سند عمومی در معاهده مورد نظر به کار رفت. این ترجمه ناقص بود، زیرا تنها اسناد صادرشده توسط نهادهای دولتی را دربر می گرفت و اسناد رسمی دیگر را شامل نمی شد. به عنوان مثال، مدارک تحصیلی صادرشده از دانشگاه های غیردولتی در این دسته بندی قرار نمی گرفتند و از فرایند آپوستیل محروم بودند. برای رفع این مشکل، در اصلاحات سال ۱۳۹۴، ترجمه اصلاح شد و مشخص شد که منظور از اسناد دولتی، در واقع اسناد رسمی است. این تغییر، دامنه شمولیت معاهده را گسترش داد و اطمینان حاصل کرد که تمام اسناد مورد نظر تحت پوشش آن قرار می گیرند. به این ترتیب، ایرانیان می توانند از مزایای این معاهده به طور کامل بهره مند شوند و اسناد خود را به راحتی تصدیق کنند.

Legalisation for Foreign Public Documents, was designed to eliminate cumbersome diplomatic authentication requirements and facilitate the recognition of foreign public documents among member states. The rationale behind the Convention was to address the inefficiencies in the then-

prevailing authentication processes, which often hindered international mobility and bureaucratic efficiency. Countries like France, Austria, and Switzerland were among the early signatories, highlighting its European genesis and its rapid institutionalization as a standard for legal recognition. Despite these global trends, Iran remained outside the Convention for several decades, resulting in procedural obstacles for its citizens and entities engaging in cross-border activities. For instance, many foreign diplomatic missions in Iran refused to accept Iranian documents, even those certified by Iran's Ministry of Foreign Affairs, because they lacked the formal Apostille certification (Moinipour, 2018). This deficiency affected Iran's international legal credibility and highlighted the urgent need for harmonization with global standards (Otifeh, 2024).

The legislative journey toward Iran's accession began with the Islamic Consultative Assembly's enactment of the Law of Accession to the Apostille Convention in 2012, followed by the ratification of an executive bylaw in 2018 to operationalize the provisions of the Convention (Bernasconi, 2013). The legislative reform streamlined the multi-tiered document authentication process previously required under Iranian law. Previously, legal documents had to be verified by various authorities, including Iran's diplomatic missions and the Ministry of Foreign Affairs, creating a protracted bureaucratic maze. Now, the introduction of a single-stage Apostille certificate, issued by a competent authority, suffices for international legal purposes (Moinipour, 2018). However, despite these domestic reforms, Iran's official accession has not been fully acknowledged by the Hague Conference's website, indicating a discrepancy between domestic intent and international recognition (HCCH, 2020). This reflects a broader political and legal ambiguity that surrounds Iran's integration into the international legal order and emphasizes the

need for continued diplomatic engagement and clarity regarding Iran's legal commitments.

Accession to the Apostille Convention yields numerous practical and economic benefits. For investors and international partners, it ensures a predictable and streamlined legal environment that supports cross-border transactions. In Iran's context, this is particularly significant given the country's aspirations for increased foreign direct investment and reduced capital flight. By eliminating the need for redundant legalizations, the Convention reduces both the cost and time associated with document authentication, which is especially burdensome when consular services in the destination country are not readily accessible (Moshtaghi, 2009). Furthermore, the Convention's facilitation of academic credential recognition boosts educational mobility, enabling Iranian students to pursue higher education abroad with less bureaucratic friction (Knight, 2012). This development is crucial given the surge in Iranian students studying overseas since the early 2000s (Arazmuradov, 2015). The World Bank has also emphasized the importance of simplified legal frameworks in fostering cross-border investments and easing the expansion of business operations globally (World Bank Group Staff, 2010). In this light, the Apostille Convention aligns with broader economic reform agendas and helps promote Iran as a secure and standardized destination for international collaboration (Bernasconi, 2007).

Nonetheless, legal and security scholars have voiced valid concerns over the potential misuse of the Apostille process. While the Convention enhances the legitimacy and accessibility of public documents, it has inadvertently been exploited in several international fraud cases, where forged academic credentials were authenticated

under the Apostille mechanism (Adams, 2012). Such incidents, documented in court cases like *Rendak* and *Goodike*, have prompted scrutiny over the security features of Apostille certificates and the need for more rigorous verification mechanisms (Hashemi, 2020). Fortunately, the rise of electronic Apostille (e-Apostille) technologies now offers a secure and efficient alternative. These systems utilize online verification platforms that reduce the risk of manual tampering and provide a centralized audit trail for issuing authorities. Moreover, the Apostille framework contributes to a uniform legal understanding among federal and decentralized jurisdictions, facilitating judicial cooperation in international litigations and ensuring that domestic documents are admissible in foreign courts without the need for further diplomatic interventions (Haight, 1975). However, this harmonization is contingent upon the mutual recognition of legal standards and trust among member states, which remains a delicate matter in Iran's case (Hartoyo & Fauziah, 2019).

Iran's partial legislative reforms following its intent to accede to the Convention necessitated significant amendments to domestic laws. Notably, Paragraph 4 of Article 1295 and Article 1296 of the Iranian Civil Code, which formerly mandated verification by Iran's foreign representatives and the Ministry of Foreign Affairs for foreign public documents, are no longer applicable in the context of Apostille-certified documents from member states (Emon, 2015). Similarly, Article 2(a) of the Law on the Translation of Statements and Documents in Official Courts, which required translations to be authenticated by Iranian officials, becomes redundant when documents are duly certified by an Apostille-competent authority in a member state. The reforms represent a partial repeal (relative abrogation) of these provisions, limited only to documents

exchanged with other member states (Hartoyo & Fauziah, 2019). These changes foster greater legal coherence with global practices but also pose interpretative challenges for domestic legal actors. The distinction between official, public, and governmental documents further complicates implementation. For instance, the original Persian translation of "public document" as "governmental document" led to misunderstandings that were only corrected through a legislative amendment in 2015 (Falsafi, 2014; Vafa'i & Alipour, 2016). Given the divergence in definitions, further jurisprudential clarification is essential to align Iran's domestic categories with international norms and to prevent inadvertent exclusion of otherwise eligible documents.

From a geopolitical standpoint, Iran's accession to the Convention faces both legal and political hurdles. Critics argue that recognition of Iran's accession by current Convention members may be delayed or denied due to concerns about Iran's human rights record and its judicial impartiality. The 2022 death of Mahsa Amini and the ensuing "Women, Life, Freedom" protests sparked widespread condemnation of Iran's justice system and governance practices (Iranian Executions: Women Life Freedom, 2023). Western countries, notably the United Kingdom, imposed numerous sanctions and emphasized the need for institutional reforms before granting recognition to Iran's legal commitments under international conventions (Otifeh, 2024). The refusal of countries like the UK to recognize the accession of Pakistan and Morocco serves as a precedent for similar reluctance toward Iran. However, supporters argue that joining the Convention is a constructive step toward transparency and global integration, and may even counterbalance some of the prevailing criticisms by demonstrating a willingness to conform to international legal standards.

Moreover, certain bilateral treaties, such as those between Iran and France, Austria, and Russia, already provide for mutual recognition and enforcement of judgments, suggesting a foundation upon which broader multilateral integration can be built (Ghorbani Kalateh et al., 2023; Vafa'i & Alipour, 2016).

Finally, the scope of documents covered by the Apostille Convention includes a wide variety of public documents, ranging from court decisions and academic diplomas to notarial acts and administrative certifications. However, the Convention explicitly excludes consular documents and those directly linked to commercial or customs operations (Zablud, 2020). In the Iranian legal context, this differentiation is critical, given the variance between “official,” “public,” and “governmental” documents. According to Article 1287 of the Iranian Civil Code, an official document is one drafted by a public officer within his legal authority and according to legal formalities (Katouzian, 2011). This includes judicial rulings, administrative decrees, and notarial contracts. Yet, many academic credentials issued by private institutions—such as Azad and non-profit universities—were initially excluded due to the assumption that they were not public or governmental. Later legal interpretations corrected this, recognizing that as long as the issuing official is legally authorized, the document retains official status (Adabi, 2018). The Iranian Ministry of Foreign Affairs’ executive bylaw now aligns with this interpretation and acknowledges a broader spectrum of documents as Apostille-eligible. Still, procedural ambiguities remain, particularly in relation to rejected documents and the appeals mechanism, which currently positions the Ministry as both the issuing and appellate authority, raising concerns over impartiality (Zargari, 2020). Addressing these systemic gaps is essential for ensuring that the

benefits of Apostille accession are fully realized and equitably implemented.

In conclusion, Iran’s accession to the Apostille Convention represents a transformative legal and administrative shift with far-reaching implications for international cooperation, economic development, academic mobility, and the modernization of bureaucratic procedures. Despite lingering political resistance and interpretive challenges, the alignment of Iranian legal structures with Apostille standards enhances the nation’s legal credibility, streamlines transnational processes, and contributes to global legal harmonization. Full implementation, however, requires continued institutional reforms, technological adoption, and sustained diplomatic engagement to bridge the gap between intention and execution.

References

- Adabi, H. R. (2018). *Practical Registration Law*. Judicial Power Press and Publications Center.
- Adams, J. W. J. (2012). The Apostille in the 21st Century: International Document Certification and Verification. *Houston Journal of International Law*, 34(3), 501-519.
- Altbach, G. P., & Knight, J. (2007). The Internationalization of Higher Education: Motivations and Realities. *Journal of Studies in International Education*, 11(3-4), 290-305. <https://doi.org/10.1177/1028315307303542>
- Arazmuradov, A. (2015). Recalling Benefits of International Convention for Modernization. Department of Economics and Management of Technology, Faculty of Engineering, University of Bergamo, Available at SSRN 2011640
- Bernasconi, C. (2007). Some Observations from the Hague Conference on Private International Law. In *Proceedings of the Annual Meeting (American Society of International Law)* (Vol. 101, pp. 350-353). <https://doi.org/10.1017/S0272503700026045>
- Bernasconi, C. (2013). The Electronic Apostille Program (e-APP): Bringing the Apostille Convention into the Electronic Era. In *Entre Bruselas y La Haya: Estudios sobre la unificación internacional y regional del Derecho internacional privado. Liber amicorum Alegría Borrás* (pp. 199-214).
- Darwin, D. D., & Lewis, D. R. (2005). Quality assurance of higher education in transition countries: Accreditation - accountability and assessment. *Tertiary Education and*

- Management, 239-258.
<https://doi.org/10.1007/s11233-005-5111-y>
- De Wit, H. (2011). Globalisation and Internationalisation of Higher Education. *Revista de Universidad y Sociedad Del Conocimiento (RUSC)*, 8(2), 241-248.
- Emon, A. M. (2015). Hague Abduction Convention & Islamic Law.
<http://www.anveremon.com/projects/hague-abduction-convention-.html>
- Falsafi, H. (2014). *International Law of Treaties*. Farhang Nashr No.
- Ghorbani Kalateh, E., Mahdavi Tusi, M. R., & Ghahramani, H. (2023). Review of the Necessity, Process, and Effects of Iran's Accession to the Apostille Convention. Fourth International Conference on Law and Judicial Sciences,
- Haight, J. T. (1975). The Hague Convention Abolishing the Requirement of Legalization for Foreign Public Documents. *The International Lawyer*, 9(4), 755-766.
- Hartoyo, B., & Fauziah, N. M. (2019). The Hague Convention 1961: Solution of Foreign Public Document Legalization for Indonesia and ASEAN Member Countries. *Abc Research Alert*, 7, 37-47.
<https://doi.org/10.18034/abcra.v7i1.249>
- Hashemi, S. S. (2020). Apostille Convention and the Impact of Accession on the Legal System of Iran. *Judiciary Legal Journal*, 84(112), 291-319.
- Hashemi, S. S., & Shahnoosh Faroshani, M. A. a.-S. (2021). *Review of the Legal Aspects of Accession to the Apostille Convention: Report on the Review of the Law of the Convention Abolishing the Requirement of Legalization for Foreign Public Documents, Adopted in 1961*. Research Institute of the Judiciary.
- HCCH. (2020). Convention of 5 October 1961 Abolishing the Requirement of Legalisation for Foreign Public Documents.
<https://www.hcch.net/en/instruments/conventions/status-table/?cid=41>
- Hendel, D. D., & Lewis, D. R. (2005). Quality assurance of higher education in transition countries: Accreditation - accountability and assessment. *Tertiary Education and Management*, 239-258.
<https://doi.org/10.1080/13583883.2005.9967149>
- Iranian Executions: Women Life Freedom. (2023). Proof and the Rules of General Proof - Admission and Document. <https://theowp.org/iranian-executions-women-life-freedom/>
- Katouzian, N. (2011). *Proof and the Rules of General Proof - Admission and Document* (Vol. 1). Mizan Publications.
- Knight, J. (2012). Student Mobility and Internationalization: Trends and Tribulations. *Research in Comparative and International Education*, 7(1), 20-33.
<https://doi.org/10.2304/rcie.2012.7.1.20>
- Leich, M. (1982). The Hague Convention Abolishing the Requirement of Legalization for Foreign Public Documents. *The American Journal of International Law*, 76(1), 182-183.
<https://doi.org/10.2307/2200993>
- Loussouarn, Y. (1961). Explanatory Report on the Hague Convention of 5 October 1961 Abolishing the Requirement of Legalisation for Foreign Public Documents.
<https://www.hcch.net/en/publications-and-studies/details4/?pid=52>
- Martin, N. (2014). International Parental Child Abduction and Mediation: An Overview. 48 *FLQ*(2).
- Moinipour, S. (2018). UN treaty-based bodies and the Islamic Republic of Iran: Human rights dialogue (1990-2016). *Cogent Social Sciences*, 4(1), 14-40.
<https://doi.org/10.1080/23311886.2018.1440910>
- Moshtaghi, R. (2009). The Relation Between International Law, Islamic Law And Constitutional Law Of The Islamic Republic Of Iran - A Multilayer System Of Conflict. *Max Planck Yearbook Of United Nations Law*, 13, 375-420. <https://doi.org/10.1163/18757413-90000044>
- Otifeh, M. (2024). A Critical Analysis on Whether the Islamic Republic of Iran Should Adopt the 1980 Hague Convention on the Civil Aspects of International Child Abduction. Working Paper Series 1/2024.
- Permanent Bureau of the HCCH. (2013). *Apostille handbook: Handbook on the practical operation of the apostille convention*. The Hague Conference on Private International Law Permanent Bureau.
- Randall, C. (2012). Iranian Court Grants Custody of Children to French Father.
<https://www.thenationalnews.com/world/mena/iranian-court-grants-custody-of-children-to-french-father-1.405140>
- Shahbazi, A., & Ghorbanpour, M. (2013). Review of the Law on the Accession of the Islamic Republic of Iran to the 1961 Hague Convention on the Abolishment of the Requirement of Legalization for Foreign Public Documents. *International Legal Journal*(49), 263-290.
- Singal, R. (2021). International Child Abduction To A Non-Hague Convention Country.
<https://rvssolicitors.co.uk/latest-news/family-law-blog/international-child-abduction-to-a-non-hague-convention-country/>
- Solicitors, S. (2017). Hague Convention When It Cannot Help- the Fight to Have the Child Returned Can Be Long and Heartbreaking.
<https://saracenssolicitors.co.uk/private-clients/divorce-family-law/hague-convention/>
- Tsouka, C. (2015). Simplifying the Circulation of Public Documents in the European Union- Present and Future Solutions. *ELTE LJ*, 43-50.

- Vafa'i, M., & Alipour, A. (2016). *International Treaty Law*. Majd Publishing.
https://doi.org/10.1007/978-3-319-40469-1_1
- World Bank Group Staff. (2010). Investing across Borders 2010 (Indicators of foreign direct investment regulation in 87 economies).
- Zablud, P. (2020). *Chapter 20 The 1961 Apostille Convention - authenticating documents for international use*.
<https://doi.org/10.4337/9781788976503.00034>
- Zargari, J. (2020). *Apostille Convention (Convention Abolishing the Requirement of Legalization for Foreign Public Documents)*. Mehr Kalameh.